



استادان فلسفه پاسخ دادند: آیا کودکان توانایی پرسش‌های فلسفی را دارند؟

خلاصه میزگرد گروه فلسفه برای کودکان در دهمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران .

خلاصه میزگرد گروه فلسفه برای کودکان در دهمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران . میزگرد گروه فلسفه برای کودکان در دهمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران در دانشگاه شهید رجایی سال گذشته با حضور اساتید و علاقه‌مندان به برنامه درسی فیک برگزار شد. اساتید شرکت‌کننده در بحث دکتر قائدی (عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم تهران و مسوول گروه مطالعاتی فلسفه برای کودکان در انجمن مطالعات برنامه درسی)، دکتر هدایتی (عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی)، دکتر مرعشی (عضو هیات علمی دانشگاه چمران اهواز) و دکتر ناجی (عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی) دکتر علی عسکری (عضو هیات علمی دانشگاه تربیت معلم و رییس انجمن مطالعات برنامه درسی) بودند.

هدف از تشکیل میزگرد بررسی روش‌های غیررسمی ترویج برنامه درسی فلسفه برای کودکان و نهادهایی که می‌توانند در این زمینه بطور موثر عمل کنند، بیان شد. در ابتدا افراد شرکت‌کننده در بحث معرفی شدند و زمینه ارتباط آنها با موضوع فلسفه برای کودکان بیان شد.

سپس بطور مختصر توضیحاتی توسط دکتر قائدی در این زمینه مطرح شد و لزوم توجه به این امر مورد توجه قرار گرفت. پس از آن برنامه میزگرد به این صورت تشریح شد که بخش اصلی میزگرد به پرسش و پاسخ در زمینه برنامه درسی فلسفه برای کودکان و راه‌های غیررسمی ترویج این برنامه اختصاص یافت و بخشی جهت ارزیابی گزارش خانم حاج امینی از فعالیت‌هایشان در زمینه آموزش تفکر به دانش‌آموزان اختصاص یافت. گزارشی از این نشست را ملاحظه می‌کنید:

بحث با سوال دکتر قائدی مبنی بر اینکه در حال حاضر که امکان گسترش برنامه درسی فلسفه برای کودکان به نظام آموزشی و بطور رسمی امکانپذیر نیست و در این راه مشکلاتی وجود دارد، آیا باید دست از کار کشید یا راه‌های دیگری برای توسعه این برنامه وجود دارد؟ در صورت وجود مسیرهای غیررسمی، این مسیرها چه می‌تواند باشد و چگونه می‌توان عمل کرد؟ شروع شد.

در پاسخ به این سوال یکی از حضار استفاده از تشکلهای غیررسمی و نهاد خانواده را مطرح کرد. دکتر هدایتی در ادامه بحث بیان کرد برای آموزش غیررسمی 2 شکل می‌توان متصور شد؛ شکلی از آموزش که هر لحظه زندگی را آموزش می‌داند و معتقد است در هر لحظه از زندگی انسان در حال آموختن و تجربه کسب کردن است و شکلی دیگر از آموزش که بطور ساختارمند در کنار سیستم آموزش و پرورش عمل می‌کند و به عنوان تشکلی در جهت هدفی خاص فعالیت می‌نماید. این شکل آموزش غیررسمی ساختارمند می‌تواند بسیار موثر باشد و در این زمینه حتی ممکن است بهتر و کارآمدتر از موسسات رسمی عمل نماید.

در ادامه دکتر ناجی گفت: آموزش و پرورش بازدهاش را از دست داده است اما امکان حذف این سیستم وجود ندارد و لازم است که حفظ شود. برای رفع این مشکل لازم است نهاد دیگری در کنار آموزش و پرورش وارد عمل شود و در سطح آموزش و پرورش عمل کرده و رشد کند. این نهاد به عنوان رقیب آموزش و پرورش می‌تواند فعالیت کند تا از سویی کاستی‌هایی که در نظام آموزشی وجود دارد رفع کرده و از سویی جای پای خود را برای گسترش بیشتر باز کند. آقای دکتر مرعشی نیز اذعان کرد: در ارتباط با برنامه درسی فلسفه برای کودکان فعالیت‌های مختلفی در حال شکل‌گیری است، کانون پرورش فکری، پژوهشگاه علوم انسانی و بنیاد حکمت صدرا و سایر موسسات هر یک به شکلی در حال فعالیت در این زمینه هستند اما لازم است موسسه‌یی وجود داشته باشد که این فعالیت‌ها را با هم هماهنگ کند و در واقع بهتر است که هر فعالیتی که در این زمینه صورت می‌گیرد بطور منسجم و زیرنظر موسسه‌یی خاص باشد.

در این زمینه برنامه‌های فرهنگی مساجد، انجمن‌های اولیا و مربیان و... می‌تواند در این زمینه فعالیت‌هایی انجام دهد. دکتر قائدی نیز چنین اظهار عقیده کرد که برنامه‌های رسمی بهتر از برنامه‌های غیررسمی در این زمینه می‌تواند فعالیت کند. تاکنون برنامه‌های زیادی از سوی آموزش و پرورش شروع شده که قبل از اینکه به نتیجه برسد، رها شده است. بنابراین ابتدا باید از مبنا یعنی خانواده و معلمان آغاز کرد و اگر خانواده‌ها با این برنامه آشنا شوند، نتایج آن را بدانند و کاستی‌های موجود در آموزش و پرورش را بشناسند، خودشان این برنامه را طلب می‌کنند و این موضوع می‌تواند بستر مناسبی برای گسترش این برنامه ایجاد کند و در این زمینه یکی از

بهترین نهادهایی که می‌تواند بطور موثر عمل کند، صدا و سیما است. به‌هرحال آنچه مهم است این است که برنامه نباید متوقف شود و باید راهی برای گسترش آن ارایه کرد.

در جمع‌بندی این بخش از میزگرد و با اتفاق آرا، دکتر قائدی گفت: برای جلوگیری از مشکلات احتمالی که به آن اشاره شد و هماهنگ کردن فعالیت‌ها، تشکیل انجمن فلسفه برای کودکان ضروری به نظر می‌رسد. تشکیل این انجمن می‌تواند گامی موثر در جهت گسترش این برنامه و فعالیت‌های مرتبط با آن باشد. در ادامه مباحث برخی از حضار سؤالاتی درباره برنامه درسی فلسفه برای کودکان داشتند که در اینجا زمانی اختصاص یافت تا به سؤالاتشان پاسخ گفته شود.

سوال اول: فلسفه در برنامه درسی فلسفه برای کودکان چیست و چه مفهومی دارد؟

دکتر قائدی: هدف از فلسفه برای کودکان آموختن فلسفه‌ورزی و مهارت فلسفیدن است. در برنامه فیک فلسفه روش اندیشیدن است نه اندیشه فلاسفه مانند سقراط و افلاطون. در این برنامه فلسفه می‌خواهد فلسفه‌ورزی را به دانش‌آموزان یاد بدهد و کاری با اندیشه‌های فلسفی ندارد. بدین منظور مباحث در قالب داستان‌هایی مرتبط با زندگی دانش‌آموزان مطرح می‌شود. تنها در پایه 11 و 12 است که این برنامه تا حدودی اختصاصی می‌شود.

سوال دوم: روش آموزش فلسفه به کودکان چیست و این برنامه چگونه آموزش داده می‌شود؟

دکتر ناجی: فلسفه به کودکان شامل یکسری مهارت‌هایی است از جمله مهارت‌های گوش دادن، دیالوگ، احترام گذاشتن و... این برنامه در نظر دارد مهارت‌هایی را به دانش‌آموزان بیاموزد و بدین منظور از روش احتمال پژوهشی یا حلقه کندوکاو استفاده می‌کند. برای این کار دانش‌آموزان باید به صورت دایره‌وار در کلاس بنشینند و درباره مباحثی که عمدتاً در قالب داستان برای آنها ارایه می‌شود به تبادل نظر و گفت‌وگو بپردازند. در این روش برخلاف روش‌های سنتی تدریس معلم دانای کل نیست و تنها نقش تسهیل‌گر بحث را برعهده دارد. مباحث بر پایه گفت‌وگو شکل می‌گیرد و این گفت‌وگو و بحث در نهایت به خود اصلاحی می‌انجامد.

در تکمیل پاسخ دکتر قائدی گفتند: فیک عقیده دارد اندیشه تا زمانی که در ذهن باقی بماند از آن خود فرد است اما چیزی از آن ساخته نمی‌شود. اما زمانی که ارایه می‌شود، دیگر از آن او نیست و در مواجهه با اندیشه‌های موافق و مخالف پرورانده می‌شود و این مفهوم خود اصلاحی در فیک است. در فیک تلاش می‌شود تا اندیشه از طریق مهارت‌ها فلسفی تقویت شود.

سوال سوم: در برنامه درسی فلسفه برای کودکان پرسشگری هم روش است و هم هدف؟

دکتر قائدی: در برنامه فیک پرسشگری ابزار است؛ ابزاری برای یافتن معنای زندگی.

دکتر علی عسگری: به نظر بنده پرورش روحیه پرسشگری می‌تواند بخشی از هدف برنامه درسی فلسفه برای کودکان باشد. مهم این است که جسارت سوال کردن داشته باشیم و به دانش‌آموزان این جسارت را بدهیم تا سوال بپرسند. متأسفانه روحیه پرسشگری حتی در دانشگاه‌ها هم دیده نمی‌شود. در آغاز تحصیل زمانی که کودک وارد مدرسه می‌شود سرشار از سوال است و به دنبال پاسخ سوال‌هایش، اما با ورود به مدرسه معلم با بازخورد اشتباه به او، روحیه پرسشگری را در او می‌کشد. در برنامه فیک تلاش می‌شود تا دانش‌آموزان تشویق شوند که ایده‌هایشان را بیان کنند و آنان فرصت می‌یابند خودشان را ابراز کنند و با چالش مواجه شوند.

سوال چهارم: مفاهیم انتزاعی موجود در فلسفه را چطور می‌توان به دانش‌آموزان آموخت؟

اینکه دانش‌آموزان قبل از 12 سالگی توانایی درک مفاهیم انتزاعی را ندارند، ایده‌ی است که توسط پیازه مطرح شده است و مورد انتقاد نیز قرار گرفته است.

در واقع دانش‌آموزان توانایی درک مفاهیم انتزاعی را دارند و از سویی مفاهیمی که در فیک به دانش‌آموزان ارایه می‌شود آن چیزی است که آنان در زندگی با آن مواجه می‌شوند. مگر نه اینکه ریاضیات و تاریخ مفاهیمی انتزاعی هستند که در مدارس برای دانش‌آموزان ارایه می‌شود. آیا پرسیدن سوال من کیستم، سوالی که همه بچه‌ها می‌پرسند نشانه قدرت تفکر بالای آنها نیست. کودکان توانایی پرسیدن سوال‌های اساسی را دارند، سؤالاتی که فلاسفه‌ی چون سقراط و افلاطون پرسیدند، بنابراین آنها توانایی اندیشیدن و کار کردن روی مسائل انتزاعی را دارند.

سوال پنجم: در بحث و گفت‌وگو در فیک آیا پاسخ‌ها اهمیت دارند؟ آیا باید پاسخ‌ها یکسان باشد یا تعدد اندیشه‌ها مهم است؟

دکتر هدایتی: در فیک ایده‌ها باید براساس ملاک باشد تا منجر به خوداصلاح‌گری شود. با استفاده از ملاک‌ها می‌توان اندیشه‌ها را اصلاح کرد. اگر کودک در بحث به این نتیجه برسد که موضوعی را بپذیرد، معلوم می‌شود که ملاک‌ها کافی بوده است. اما اگر موضوعی را نپذیرد و ملاکی نداشته باشیم که بتواند او را راضی کند، احتمالاً خود ما بدون ملاک درستی آن ایده را پذیرفته‌ایم. زمانی که کودک چیزی را با معیار می‌پذیرد آن موضوع در هر شرایطی برایش یک معنی دارد و در همه جا برطبق عقیده‌ی که پذیرفته است، عمل می‌کند. در پایان خانم حاج امینی گزارشی از فعالیت‌های خود در مدارس جهت آموزش تفکر فلسفی ارائه کردند. خانم حاج امینی زیربنای فکر آموزش تفکر فلسفی در مدارس را اینگونه بیان کردند که آیا تفکر فلسفی تاثیر منفی در اعتقادات دانش‌آموزان دارد؟ و آیا تفکر فلسفی را می‌توان در مدارس اجرا کرد؟

برای این منظور با اخذ مجوز از وزارت آموزش و پرورش شروع به آموزش تفکر در مدارس کردند. برنامه‌ها مخصوص دانش‌آموزان دوره ابتدایی و راهنمایی است. برای این کارگروهی از مربیان، آموزش دیدند تا با طرح مباحثی در کلاس دانش‌آموزان را برای ارائه عقاید و پرسیدن سوالاتشان تقویت کنند. در این برنامه‌ها معلمان اصلاً قضاوت نمی‌کنند تنها ایده‌ها را می‌شنوند و به افراد فرصت می‌دهند تا عقایدشان را مطرح کنند. در واقع عقاید در مواجهه با ایده‌های موافق و مخالف شکل می‌گیرد. این برنامه فرصتی را برای دانش‌آموزان در کلاس درس فراهم می‌کند تا سوالاتشان را بپرسند. در پایان میزگرد دکتر قائدی جمع‌بندی کلی را ارائه کردند و در این نتیجه‌گیری به لزوم تشکیل انجمن فلسفه برای کودکان به عنوان یک گروه مستقل اشاره کرد. ایشان گفت این انجمن نه تنها می‌تواند محفلی برای همه علاقه‌مندان به فلسفه برای کودکان باشد، بلکه می‌تواند مکانی برای گسترش این برنامه و ارائه آن به جامعه بطور گسترده‌تر باشد؛ بطوری‌که جامعه و مدارس از ما بخواهند که این برنامه را برایشان اجرا کنیم. تشکیل انجمن می‌تواند فضایی را برای تبادل بیشتر آرا و ایده‌ها فراهم کند و برنامه فیک را به جامعه بشناسد. در این انجمن می‌توان کارگاه‌هایی را تشکیل داد و همچنین می‌توان مجله ویژه فلسفه برای کودکان را منتشر کرد.